## اصول و شیوه­های هدايت و دعوت دیگران به نماز

حجت الاسلام دكتر محمد داودي

### الف. اصول هدايت و دعوت دیگران به نماز

انسان موجودي آگاه و هدفمند بوده، براي رسيدن به هدف خود ناگزير از فعاليت و تلاش است؛ اما فعاليت و تلاش در صورتي به نتيجه مي‌رسد كه بر اساس اصولي دقيق و كارآمد انجام شود. اين قاعده در مورد دعوت دیگران به نماز نيز صادق است. اصول هدايت و دعوت دیگران به نماز دستور­العمل­هايي كلي هستند كه در چگونگي انجام فعاليت­هاي مربوط به این دعوت نقش مهمي ايفا مي‌كنند.

مهمترينِ اين اصول را به اختصار بیان مي‌كنيم.

#### یک. شروع از خود

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

دعوت به نماز، امامت و راهنمایی به سوی خداست و راهنما و دعوت کننده در اولین قدم باید از خود شروع کند. امیرمؤمنان فرمود: **"مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً- [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِم"**؛[[1]](#footnote-1)

به بیانی دیگر، دعوت به نماز، دعوت به ارتباط با خداوند است؛ کسی که خود این ارتباط را ندارد، اگر بخواهد دیگران را بدان دعوت کند، مستحق این آیات است که: **"أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ"**[[2]](#footnote-2) و **"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آَمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ"**[[3]](#footnote-3).

پس اولین اصل در این دعوت، این است که مربی و دعوت کننده از تکمیل نماز خود شروع کند.

#### دو. اصل زمينه‌سازي

هدايت به سوي نماز يك فعاليت است. اين فعاليت مانند هر فعاليت ديگر نه در خلأ، بلكه در يك محيط و موقعيت اتفاق مي‌افتد. اگر اين محيط و موقعيت براي انجام اين فعاليت آماده شده باشد، زحمت ما مفيد واقع مي‌شود و ثمر مي‌دهد و در غير اين صورت، به احتمال زياد به هدر مي‌رود و به هدف مورد نظر نمي‌رسد.

#### سه. اصل جامعيت

نماز عملي عبادي است دارای ابعاد گوناگون. نماز يك رفتار است و رفتار، چنان­كه روانشناسان گفته‌اند، سه بعد دارد: شناختي، گرايشي و رفتاري. عمل نماز از كسي صادر مي‌شود كه بهره­ای هرچند کم از شناخت، گرايش و توانايي عمل نسبت به آن را برده باشد. هر چه شناخت بيشتر و عميق­تر و هر چه گرايش قوي­تر باشد، فرد به اين عمل پايبندتر خواهد بود؛ مشروط به اينكه توانايي و مهارت براي انجام آن را دارا باشد. اگر كسي كاملاً به نماز آگاه و به آن گرايش هم داشته باشد اما فاقد توانايي و مهارت­هاي لازم باشد، براي مثال، حمد و سوره و اذكار را نداند يا نتواند ركوع و سجود را به صورت صحيح انجام دهد، نمي‌تواند نماز را به صورت صحيح انجام دهد.

بدين ترتيب، در دعوت و آموزش نماز بايد به هر سه بعد آن توجه داشت. بايسته است شناخت و باورهاي لازم، گرايش­ها و انگيزه‌هاي صحيح و توانايي­ها و مهارت­هاي لازم را در آنان ايجاد كرد و پرورش داد. اصل جامعيت بدين معناست كه در هدايت به نماز نبايد تنها به بعد شناختي، بعد گرايشي يا بعد رفتاري بسنده كرد؛ بلكه بايد به هر سه بعد به اندازة لازم توجه كرد و پرورش داد.

#### چهار. اصل تدريج

اصل تدريج بيانگر این مطلب است كه در آموزش نماز به دیگران، نبايد يكباره كل نماز و معارف و مهارت­هاي مربوط به آن را ارائه كرد؛ بلكه بايد آنها را به تدريج آموزش داد. براي مثال، در مورد کودکان، نخست بايد اصل سجده را به وي آموخت و او را رها كرد تا آن را انجام دهد. پس از مدتي بايد وضو را به وي آموزش داد. پس از مدتي بايد از او خواست صورت نماز را انجام دهد و رعايت شرايط نماز را از وي نخواست.

در تصریح به این مطلب، در روايتی آمده است:

"آنگاه كه پسر سه ساله شد به او مي­گويند هفت بار بگو: **"لا إله إلاّ اللّه"**. وقتي سه سال و هفت ماه و بيست روزه شد، به او مي­گويند: هفت بار بگو: **"محمّد رسول اللّه"**. وقتي چهار ساله شد به او مي­گويند: هفت بار بگو **" صلّي اللّه علي محمّد و آل محمّد"**. آنگاه كه پنج سالش تمام شد از او مي­پرسند: دست چپ تو كدام و دست راست تو كدام است؛ اگر جواب صحيح داد او را رو به قبله مي­كنند و مي­گويند: سجده كن و رهايش مي­كنند تا شش ساله شود. زماني كه شش سالش تمام شد، ركوع و سجود را به او مي­آموزند و به نمازش وامي دارند تا هفت ساله شود. وقتي هفت سالش تمام شد به او مي­گويند: دو دست و صورتت را بشوي، آنگاه به او مي­گويند: نماز بخوان، تا نه سالش تمام شود. در آن هنگام، وضو به او مي­آموزند و نماز را به او مي­آموزند ... هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدينش را مشمول رحمت خود مي­كند".[[4]](#footnote-4)

#### پنج. اصل اعتدال

اعتدال و پرهيز از افراط و تفريط يكي از مصاديق اصل رفق و مداراست. افراط و تفريط خواه از طرف متربي و فرزند خواه از طرف مربي و والدين هر دو مذموم است.

اصل اعتدال اقتضا مي‌كند كه دعوت کننده به نماز، انتظاراتي بيش از اندازه از مخاطب خود نداشته باشند. چرا كه انتظار بيش از اندازه، به­ويژه در سنين كودكي و نوجواني، چنان­كه در سخنان پيامبر و ائمه آمده است، موجب خستگي و دلزدگي و در نهايت بي‌ميلي و بي‌علاقگي به نماز شده، او را از نماز دور مي‌كند و چه بسا به ترك نماز بينجامد.

انتظار بيش از اندازه دو پيامد منفي دارد: اگر نوجوان مطابق انتظار ما عمل كند، از نماز بيزار و دلزده مي‌شود و اگر مطابق نظر ما عمل نكند، موجب ناراحتي و تنش ميان ما با او مي‌شود؛ اين تصور در او به وجود مي‌آيد كه در عمل به وظايف ديني‌اش كوتاهي مي‌كند و همين موجب مي‌شود اعتماد به نفس فرزند ضعيف گردد. از سوي ديگر، نبايد سطح انتظارات خود را بسيار پايين بياوریم كه نتيجة آن سهل‌انگاري و بي‌توجهي به نماز يا ترك نماز خواهد بود.

#### شش. اصل تداوم و استقامت

مداومت و استقامت در دعوت و تربیت، سیرة انبیای الهی و نشأت گرفته از سفارش­هاي مكرر خداوند به آنهاست. **"فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ و من تاب معك"**.[[5]](#footnote-5) اين امر به­ويژه در مورد نماز اهميت و ضرورت بيشتري مي‌يابد؛ زيرا چنان­كه پيش از اين گفتيم، يادگيري نماز و تثبيت و دروني شدن آن در دیگران نيازمند گذشت زمان است و با يك روز و يك هفته و يك ماه به سرانجام نمي‌رسد. بنابراين، بايد در هدايت دیگران به نماز خود را براي فعاليتي پيوسته آماده سازد و روشن است كه فعاليت مداوم و پيوسته نياز به استقامت و پايمردي دارد!

#### هفت. اصل كرامت

در ميان مخلوقات الهي، خداوند به‌ انسان عنايت ويژة داشته، استعدادها و توانايي­هاي ويژه‌اي به او عطا كرده كه برجسته‌ترين آنها عقل و اختيار است. آنچه انسان را از ديگر موجودات متمايز كرده و به او اين امكان را داده است كه بتواند در مسير رشد و كمال، گوي سبقت را از دیگر موجودات اين جهاني و حتي فرشتگان مقرب الهي بربايد، عقل و اختيار است. **"وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى‏ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِيلا"**؛[[6]](#footnote-6) و ما فرزندان آدم را بسيار گرامى داشتيم، و آنان را بر مركب­هاى آبى و صحرايى سوار كرديم و از هر غذاى لذيذ و پاكيزه روزيشان كرديم و بر بسيارى از مخلوقات خود برتري افزون داديم. بدين ترتيب، انسان به واسطة برخورداري از عقل و اختيار داراي كرامت است و بر ديگر موجودات برتري دارد.

اصل كرامت بيانگر آن است كه والدين، معلم و مربي و دعوت کننده به دین بايد متربي خود را گرامي بدارند و كرامتش را پاس بدارند. آنها حق ندارند حتي در مقام تربيت، مخاطب را تحقير و كرامت انساني او را لگد مال كنند. بنابراين، باید در هدايت به نماز به­گونه‌اي عمل كنند كه شخصيت و احترام و كرامت متربی و مخاطبشان حفظ شود.

1. . سید رضی، *نهج البلاغه* ، کلمات قصار 73. [↑](#footnote-ref-1)
2. . "آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید" (بقره:44). [↑](#footnote-ref-2)
3. . " ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟!" (صف:2). [↑](#footnote-ref-3)
4. . عبداللّه­بن­فضالة عن أحدهماقال: "اذا بلغ الغلام ثلاث سنين، يقال له سبع مرّات: قل لا إله إلاّ اللّه. ثمّ يترك حتّي يتمّ له ثلاث سنين و سبعة أشهر و عشرون يوماً. فيقال له: قل محمّد رسول اللّه سبع مرّات، و يترك حتّي يتمّ له أربع سنين. ثمّ يقال له سبع مرّات: قل صلّي اللّه علي محمّد و آل محمّد. ثمّ يترك حتّي يتمّ له خمس سنين. ثمّ يقال له: أيّها يمينك و أيّها شمالك؟ فإذا عرف ذلك حوّل وجهه إلي القبلة و يقال له: اسجد. ثمّ يترك حتّي يتمّ له ستّ سنين. فإذا تمّ له ستّ سنين صلّي و علّم الركوع و السجود حتّي يتمّ له سبع سنين; فإذا تمّ له سبع سنين قيل له: اغسل وجهك و كفيّك، فإذا غسلهما قيل له: صلّ. ثمّ يترك حتّي يتمّ له تسع. فإذا تمّت له علم الوضوء و ضرب عليه و علّم الصلاة و ضرب عليها و فإذا تعلّم الوضوء و الصلاة غفراللّه لوالديه" (عاملی*، وسائل الشيعه*، ج21، ص 474، روايت 3). [↑](#footnote-ref-4)
5. . هود: 112 [↑](#footnote-ref-5)
6. . " ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم" (اسراء: 70). [↑](#footnote-ref-6)